

به نام خدا

جواد صمدی پور

- * صورتک به رو نداشت: نقاب به چهره نداشت؛ صمیمی بود.
- * کارش، نگار نقشه قالی بود: رسم کردن، طراحی کردن
- * در آن، دستی نازک داشت: در آن کار مهارت داشت.
- * در پیچ و تاب عرفانی اسلیمی، آدم چه کاره بود؟: در طرح‌های پُریچ و تاب عرفانی اسلامی، به تصویر (پُرتره) انسان (یا جنبه مادی آن) توجهی نیست.
- * استفهام انکاری
- * سگ را روان گرتنه می‌ریخت: طراحی می‌کرد؛ (با خاکه زغال طراحی کردن یا از روی طرحی، نسخه‌برداری کردن) نسخه‌برداری می‌کرد
- * در بیرنگ اسب، حرفی به کارش بود: در پردازش و طراحی اسب، مشکل داشت (تسلط نداشت).
- * مرا حدیثی از اسب‌پردازی معلم در یاد است: سخن
- * معلم مشوَش بود: آشفته
- * از در ناسازی صدا برداشت: مخالفت
- * راه دستِ خودش هم نیست: تسلط ندارد
- * هرگر جانوری جز از پهلوی نکشید: فقط از پهلوی، تصویرپردازی و نقاشی می‌کرد (نه از روبه‌رو).
- * خَلَفِ صدقِ نیاکان هنرورِ خود بود: جانشین راستین پیشینیان هنرمند خودش بود.
- * دستِ معلم، از وَقَبِ حیوان، روان شد: فرورفتگی چشم
- * صورت داد: نقاشی کرد.
- * از یال و غارب، به زیر آمد: میان دو کتف
- * گُرده را برآورد: بالای کمر را نقاشی کرد.
- * دو دست را تا فراز کُله، نمایان ساخت: بالای برآمدگی‌های دست و پا
- * گریزی رندانه زد که به سود اسب انجامید: گریزی زیرکانه زد که برای پایان دادن نقاشی اسب، سودمند بود.

* از مخمصه رسته بود: در اصل به معنی بدبختی و غم بزرگ؛ در اینجا به معنی گرفتاری

* زنگ نقاشی دلخواه و روان بود: واو عطف؛ بین کلمات هم‌نقش استفاده می‌شود.

* زنگ نقاشی دلخواه بود و روان: واو ربط؛ بین جمله‌ها قرار می‌گیرد.

* عالیه خانم رو، نشان نمی‌داد: آفتابی نمی‌شد.

* معیشت تنگ: درآمد کم

* کمر بند خود را، تنگ تر بست: مصمم تر شد (کنایه دارد)

* شستم خبردار شد: فهمیدم

* چشم‌ها را بسته بودند؛ کوره‌ای تازه خاموش شده: استعاره از بدن نیما

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir